



جغرافیا و روابط انسانی، تابستان ۱۴۰۱، دوره ۵، شماره ۱، صص ۱۷۶-۱۵۸

راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار روستایی با در نظر گرفتن روابط شهری و

روستایی در استان خوزستان

ناصر علوانی^۱، مسلم سواری^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، ملاتانی،

ایران، Nasser.alvani@yahoo.com

۲- استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، ملاتانی،

ایران،

moslem_savari@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۵

چکیده

در دنیای امروز کارکردهای روستاها و شهرها تا حدود زیادی با هم اشتراک دارد و روابط عمیقی بین شهرها و روستاها برقرار است. خوزستان از جمله استان‌هایی است که روستانشینان در آن نقش عمده‌ای در تولیدات کشاورزی و دامی در کشور دارند و توسعه روستایی و ماندگار کردن جمعیت در روستا باعث حرکت به سمت توسعه پایدار می‌گردد. نتایج این پژوهش نشان داد که تامین آب آشامیدنی بهداشتی و سایر نیازهای بهداشتی مردم و توجه ویژه به نیازهای مردم، ایجاد امنیت برای سرمایه‌گذاری در مشاغل روستایی و برنامه‌ریزی در جهت توسعه کشاورزی، باغداری، دامداری، قالی‌بافی، کارآفرینی و صنایع دستی، به‌عنوان عمده‌ترین فعالیت روستائیان، همراه با در نظر گرفتن روابط روستایی و شهری در روستاهای استان خوزستان می‌تواند مسیر را برای قرار گرفتن در محور توسعه پایدار هموار نماید.

کلید واژه‌ها: توسعه روستایی، توسعه پایدار، روابط شهری و روستایی، استان خوزستان



مقدمه

بار سنگین تغییر اقلیم را روستاها به دوش می‌کشند، هر چند این تغییر اقلیم به دلیل فعالیت کارخانجات صنعتی در نقاط شهری و اطراف شهرها ایجاد شده باشد. همچنین باید توجه داشت که توزیع نامناسب ثروت بزرگترین اختلاف بین نقاط شهری و روستایی بوده و معمولاً در نقاط شهری مردم درآمد بیشتری را کسب می‌کنند. در برنامه‌ریزی برای رسیدن به توسعه پایدار، علاوه بر کلان‌شهرها، توجه به توسعه پایدار شهرهای کوچک و روستاها نیز ضروری است (زبردست و درسخوان، ۱۴۰۰). از طرفی ظرفیت جمعیت ۲۱ میلیون نفر ساکن در مناطق روستایی با اتخاذ تدابیر صحیح و مدبرانه زمینه شکوفایی و توسعه پایدار مناطق روستایی و به دنبال آن کشور را به همراه خواهد داشت. بررسی و شناخت دقیق مسایل مربوط به روستاهای ایران از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. زیرا ریشه تمامی مشکلات و مسائل عقب ماندگی مثل فقر گسترده، نابرابری در حال رشد، رشد سریع جمعیت و بیکاری فزاینده، در مناطق روستایی قرار دارد (فاسمی، ۱۴۰۰).

سکونت بیش از سه میلیارد نفر از جمعیت جهان در نواحی روستایی و مواجه بودن بیش از ۱/۲ میلیارد نفر با فقر مطلق که ادامه حیات آن‌ها را تهدید می‌کند توجه ویژه به فقرزدایی از نواحی روستایی و اشتغال‌زایی را در روستاها ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید (دارابی و ترابی، ۱۳۹۶).

فقر جهانی و اثرات جانبی جهانی شدن از جمله توزیع نابرابر درآمد کشورها که جزء اصلی‌ترین چالش‌های کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود، مردم روستاها را با آسیب‌ها و صدمات اقتصادی و اجتماعی زیادی مواجه ساخته که امروزه مهاجرت از روستا به شهر، وجود میزان بالایی از کودکان کار در روستاها، تبعیض علیه کار زنان و کارگران روزمزد و سیار در روستاها و بخش کشاورزی، عدم تامین اجتماعی مورد نیاز و امنیت پایین شغلی از نمونه آسیب‌های مذکور به‌شمار آمده و موجب تشدید فقر و نابرابری در روستاها می‌شوند (نیکلاس ساولز، ۲۰۱۹).

کمبود درآمد عامل مهمی است که اگر برای آن چاره‌ای اندیشیده نشود، اجازه نمی‌دهد طرح‌های توسعه روستایی به ثمر بنشینند. افزایش جمعیت روستاییان (مقدار مطلق)، بیکاری (کامل یا فصلی)، بهره‌وری پایین افراد و منابع، عدم جذابیت برای سرمایه‌گذاری و ضعف فضای کسب‌وکار برخی از عوامل مؤثر در کمبود درآمد روستاییان است.

تمرکز روی بخش‌های مختلف روستایی به‌خصوص براساس پیش‌بینی‌های سازمان بین‌المللی کار کشاورزی^۲ موجب پیشرفت روستاها و کاهش فقر خواهد شد. بخش کشاورزی می‌تواند محرک توسعه اقتصادی غذا، سوخت، فیبر و سایر نیازمندی‌های مرتبط بخش‌های دیگر اقتصادی به‌ویژه بخش صنعت باشد. از سوی دیگر موفقیت در توسعه بخش‌های روستایی نیازمند فرایندهای اجتماعی - اقتصادی در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی است، متغیرهای کلان اقتصادی از جمله آرامش و ثبات سیاسی، برنامه‌های اقتصادی کارآمد، حکمرانی خوب و آموزش نیروی انسانی از پیش نیازهای اساسی آن به‌شمار می‌رود. از آن‌جا که راه‌حل نهایی مساله

¹ Nicholas Sowels

² ILO

بیکاری شهری و تراکم جمعیت در شهرها و کشورهای در حال توسعه، بهبود محیط روستایی، برقراری تعادل مناسب میان فرصت‌های اقتصادی موجود در مناطق شهری و روستایی و افزایش سطح زندگی روستاییان از راه افزایش سطح درآمد آن‌ها می‌باشد، بدیهی است در سایه ارائه خدمات آموزشی و ترویجی به اعضای جوامع روستایی و در صورت افزایش اطلاعات فنی آنان، اصول و فنون برتر تولید به وسیله روستاییان انتخاب می‌شود و از عوامل و منابع اقتصادی تولید، به شکل مطلوب استفاده می‌گردد، بدین ترتیب ایجاد اشتغال می‌تواند از طریق بهبود کیفیت زندگی، توزیع مناسب درآمد و بهره‌برداری بهینه از منابع نقش مهمی در توسعه روستایی داشته باشد (لی^۱ و همکاران، ۲۰۲۲).

مفهوم توسعه پایدار در زمینه مصرف بی‌رویه منابع طبیعی و تخریب محیط زندگی، اما افزایش جمعیت جهانی مطرح شده است (تاساکی^۳ و همکاران، ۲۰۱۵). حوزه‌های روستایی به‌عنوان قاعده نظام و فعالیت ملی نقش اساسی در توسعه ملی ایفا می‌کنند زیرا توسعه پایدار سرزمین در گرو پایداری نظام روستایی به‌عنوان زیرنظام تشکیل‌دهنده نظام سرزمین است و پایداری فضاهای روستایی در ابعاد مختلف می‌تواند نقش مؤثری در توسعه منطقه‌ای و ملی داشته باشد و اگر در جریان پیشرفت و توسعه فضاهای روستایی وقفه‌ای ایجاد شود، آثار و پیامدهای آن نه تنها حوزه‌های روستایی، بلکه مناطق شهری و در نهایت، کلیات سرزمین را در بر خواهد گرفت (جهان‌الدینی و همکاران، ۱۴۰۱).

شهرنشینی و چالش‌های همراه آن تهدید بزرگی برای توسعه پایدار است. توسعه شهری و روستایی از طریق جریان مردم، مواد، انرژی، کالاها، سرمایه و اطلاعات در تعامل است. بدون ایجاد پیوندهای صحیح شهری و روستایی، دستیابی به توسعه در یک منطقه می‌تواند آن را در منطقه دیگر به خطر بی‌اندازد. دستیابی به توسعه پایدار نیازمند اولویت‌بندی و اجرای سیاست‌های سفارشی شده در مناطق شهری و روستایی است (بافو و همکاران؛ ۲۰۲۱).

کشورها در تلاش برای رشد و پیشرفت‌های اقتصادی و فناوری پایدار با چالش‌هایی مانند کاهش منابع طبیعی، تخریب محیط زیست طبیعی و فقر ناشی از توزیع نابرابر ثروت مواجه هستند رفع بسیاری از این چالش‌ها، نیازمند سرمایه‌گذاری و توجه به توسعه در روستاها می‌باشد (سیتارز^۵، ۱۹۹۳).

پیوندهای شهری و روستایی به‌عنوان ارتباطات فرهنگی، اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و سیاسی بین جوامع براساس شکاف شهری و روستایی تعریف می‌شود (تاکولی، ۲۰۰۲؛ براون، ۲۰۰۷؛ تاکولی، ۱۹۹۸؛ ۲۰۰۳). پیوندهای شهری و روستایی را به‌عنوان جریان‌های فضایی افراد، کالا، پول، ارزش‌های اجتماعی و جریان‌های بخشی مانند کشاورزی و اشتغال غیرکشاورزی بین مناطق شهری و روستایی تعریف کردند. این به

¹ Li

² SD

³ Tasaki

⁴ Baffoe

⁵ Sitarz

عنوان جریان بين بازارهای کار و مهاجرت، خدمات، منابع و اطلاعات و کارکردهای نهادی مرتبط مانند مشارکت در سطوح مختلف (محلی، ملی و بین‌المللی) تعریف می‌شود (فستنراث و بوران، ۲۰۱۸). مفهوم پیوندهای شهری و روستایی برای کارهای فقرزدایی و تلاش برای دستیابی به برابری گسترده‌تر توسط بسیاری از سازمان‌های توسعه مانند سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (تاگولی ۲۰۰۴)، بانک جهانی (کریستینسن و تولدو، ۲۰۱۴) مهم است. مناطق روستایی و شهری توسط زنجیره‌های ارزش کشاورزی و سیستم‌های غذایی و خدمات اکوسیستمی، نیروی کار، منابع طبیعی، انرژی، حمل‌ونقل و شهرهای میانی به هم مرتبط هستند (حسین و سوتی، ۲۰۱۶) پاسخگویی به تقاضای روبه‌رشد جهانی برای غذا، به‌ویژه در مناطق شهری، حفاظت از اکوسیستم‌ها و خدمات آن‌ها منوط به کشاورزی پایدار و توسعه مناطق روستایی است. پیوندهای شهری و روستایی در حالی که تأثیر قابل توجهی بر ایجاد ثروت، رفاه و اشتغال دارند، برای بهبود حکمرانی منطقه‌ای و رقابت بخش‌ها و مناطق مرتبط نیز حیاتی هستند (وست و همکاران، ۲۰۲۰).

توسعه پایدار روستایی پدیده‌ای پیچیده و دارای ابعاد متعدد است در واقع بدون شناخت جنبه‌های مختلف سکونت در روستا حفظ آینده روستا امکان‌پذیر نمی‌باشد. حفظ پایداری روستا هدف غایی مؤلفه‌های توسعه پایدار روستایی است. یک‌جانبه‌گری و یا نادیده گرفتن هر یک از مؤلفه‌های توسعه پایدار روستا، خسارات جبران‌ناپذیری برای آینده روستا به دنبال دارد. نتایج بررسی نشان‌دهنده آن است که جهت دستیابی به توسعه پایدار روستایی می‌بایست مؤلفه‌هایی نظیر فرهنگ، محیط‌زیست، امنیت، آموزش، مشارکت و انسان را در نظر گرفت. مؤلفه‌های بازدارنده‌ای نیز مانند چالش‌های مدیریتی، دولتی، اقتصادی، زیستی، اجتماعی، زیرساختی و خزش شهری در این مسیر وجود دارد. در مجموع ایجاد دهیاری‌ها، توسعه صنعت گردشگری روستایی مانند گردشگری غذا، بهبود قوانین مربوط به زمین، احداث واحدهای بیوگازی، اجرای طرح هادی در روستاها و به‌کارگیری سیستم مدیریتی مبتنی بر ویژگی‌های خاص روستا، می‌تواند تسهیل‌گر تحقق توسعه پایدار در روستا باشد (خدا مراد پرو و زنگنه، ۱۳۹۸).

پژوهش‌های پیشین

بافو^۵ و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان پیوندهای شهری و روستایی، ضمن بررسی راه‌حل‌های مؤثر برای دستیابی به توسعه پایدار در غنا از دیدگاه پیوند متقابل اهداف توسعه پایدار، بیان داشتند که ادبیات زیادی در زمینه تحقیقاتی پیوندهای شهری و روستایی وجود دارد، اما مطالعات کمی از طریق یک تحلیل جامع از دیدگاه پیوند متقابل در زمینه اهداف توسعه پایدار انجام شده است. این مطالعه یک رویکرد یکپارچه را با ترکیب نتایج حاصل از تمرین اسکن راه‌حل با تجزیه و تحلیل پیوند اهداف توسعه پایدار برای شناسایی چالش‌ها و راه‌حل‌های اولویت‌دار و ارزیابی هم‌افزایی و مبادله راه‌حل‌های شناسایی شده اعمال کرد. در این پژوهش

¹ Fastenrath and Braun

² Christiaensen and Toldo

³ Hussein and Suttie

⁴ West

⁵ Baffoe

⁶ SDGs

تاکید شده که یک رویکرد یکپارچه که هم‌افزایی و هم‌مبادلات راه‌حل‌های مرتبط را در نظر می‌گیرد، برای سیاست‌گذاری مؤثر، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، حیاتی است.

لیو^۱ و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان مطالعه توسعه پایدار روستایی در تایوان - دیدگاهی از رابطه علت، بیان داشتند چهار (اداره‌های مرتبط با دولت، مشارکت عمومی، زیرساخت‌ها و منابع آموزشی) در گروه علت و پنج (بهداشت و رفاه، شرایط زندگی، فرهنگ روستایی، محیط کار و فعال‌سازی صنعتی) در گروه اثر طبقه‌بندی می‌شوند. با توجه به محوریت و ارتباط این عوامل، در نهایت نمودار شبکه علی قبل از ارائه پیشنهادها عملی براساس نتایج کلی ترسیم می‌شود تا مرجعی برای تصمیم‌گیران در پیگیری برنامه‌ریزی توسعه پایدار روستایی باشد.

لین^۲ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان تمایز توسعه روستایی ناشی از محیط طبیعی و شهرنشینی، ضمن بررسی منطقه کاشغر، شمال غربی چین، اظهار کردند که با دگرگونی اجتماعی-اقتصادی، ترکیب مجدد عوامل توسعه منطقه‌ای و بازسازی سیستم عناصر توسعه روستایی، چشم‌انداز روستایی منطقه کاشغر در شمال غربی چین را عمیقاً تغییر داده است. عوامل مؤثر بر تولید و سبک زندگی روستایی با یکدیگر تعامل دارند و انواع مختلف توسعه روستایی را شکل می‌دهند. بر این اساس، عوامل اصلی مؤثر بر توانایی توسعه روستایی و پتانسیل توسعه بلندمدت، نظام شاخص ارزیابی توسعه همه‌جانبه روستایی^۳ به منظور آشکارسازی تمایز توسعه روستایی و شناسایی عوامل غالب مؤثر بر توسعه روستایی ایجاد شد. برای تشخیص انواع مختلف از روش تحلیل مؤلفه اصلی و روش تحلیل خوشه‌ای استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که نواحی سطح بالا توسعه روستایی عمدتاً در مرکز منطقه متمرکز شده‌اند، در حالی که مناطق سطح پایین عمدتاً در حاشیه توزیع شده‌اند که ویژگی‌های تمایز فضایی قابل توجهی دارند.

قیداری و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان تحلیل فضایی رضایتمندی روستاییان از کیفیت خدمات آبرسانی شرکت آب و فاضلاب روستایی بیان داشتند که افزایش کیفیت خدمات ارائه شده در نواحی روستایی نیازمند بازخورد و دریافت دیدگاه روستاییان و مشارکت دادن ساکنان روستایی در فرایند توسعه است. خدمات آبرسانی به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین خدمات ارائه شده در مناطق روستایی می‌باشد. درعین حال ارزیابی میزان رضایتمندی از کیفیت خدمات رسانی آب در روستاهای نمونه نشان از این دارد که کیفیت خدمات رسانی آب در روستاهای نمونه در وضعیت قابل قبولی قرار دارد.

جهان‌الدینی و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان تبیین الگوی مدیریت راهبردی در توسعه پایدار روستایی تاکید کردند که مدیریت راهبردی نقش اساسی در توسعه پایدار روستایی دارد. همچنین معیارهای کالبدی، اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی نقش اساسی در توسعه پایدار روستایی در شهرستان سیریک دارد.

¹ Liu

² Lin

³ RCD

مبانی نظری موضوع

رویکردها و استراتژی‌های توسعه روستایی

با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته، استراتژی‌های توسعه در روستا را این‌گونه می‌توان تقسیم‌بندی نمود. باید توجه داشت که در استان خوزستان، روستاها مراکز تولیدی کشور به شمار می‌روند و نیازمند برنامه‌ریزی هستند تا این مراکز فعال شوند. بنابراین توسعه روستایی در این منطقه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (موسات و گاسکون، ۲۰۲۱).

الف: رویکردهای فیزیکی-کالبدی

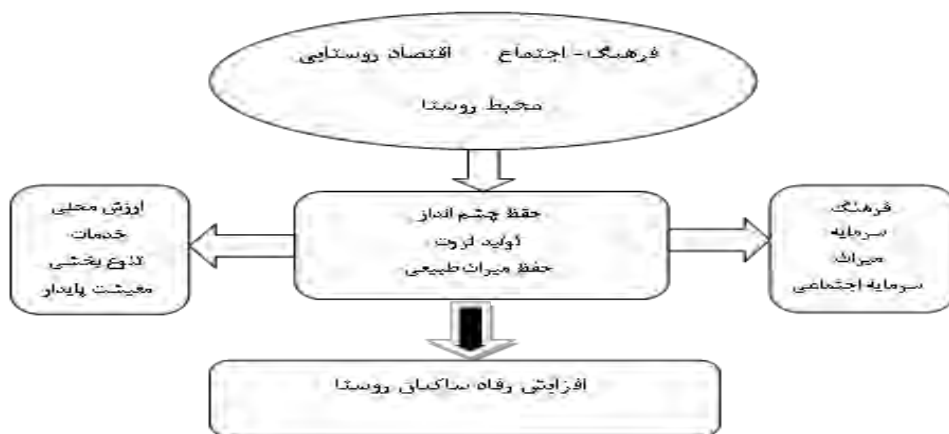
- استراتژی توسعه و بهبود زیرساخت‌های روستایی

زیرساخت‌های روستایی را می‌توان سرمایه‌های عمومی و اجتماعی روستاها دانست که بدین جهت توسعه این زیرساخت‌های اجتماعی، فیزیکی و نهادی باعث بهبود شرایط و کیفیت زندگی و معیشت مردم محلی و ارتقای کارایی زندگی اجتماعی و اقتصادی آنان خواهد شد. به‌عنوان مثال، توسعه زیرساخت‌های اجتماعی همچون تسهیلات و خدمات بهداشتی و آموزشی، باعث بهبود کیفیت منابع انسانی و افزایش توانایی‌های آنان (در جایگاه‌های فردی و اجتماعی) خواهد شد. منظور از ایجاد، توسعه و نگهداری زیرساخت‌های روستایی، صرفاً تزریق نهاده‌های سرمایه‌ای به یک جامعه با تولید سنتی نیست، بلکه هدف ایجاد سازوکارها، نهادها و مدیریت جدیدی است که در عمل نیازمند مشارکت وسیع روستاییان است. در واقع این استراتژی، با همکاری مردم می‌تواند به‌طور آگاهانه، ارادی و موفقیت‌آمیز از دوران طراحی، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری گذر کرده و به شرایط مطلوب پایدار وارد گردد (ورگا و همکاران، ۲۰۱۸).

همه پژوهش‌های کیفیت زندگی در دو حوزه شاخص‌های عینی و ذهنی انجام می‌شوند. کیفیت زندگی، به عنوان وسعت نیازهای انسانی برآورده شده در ارتباط با ادراکاتی در نظر گرفته می‌شود که فرد و گروه درباره بهزیستی ذهنی دارند. نیازهای انسانی، نیازهایی برای امرار معاش، تولید مثل، بهزیستی، آزادی، مشارکت و ارتباطات هستند، بهزیستی ذهنی نیز وسیله‌ای برای واکنش افراد و گروه‌ها به پرسش‌هایی درباره شادکامی و رضایت است.

¹ Masot, Gascón

² Varga



منبع: EENRD, 2010

ب: رویکردهای اقتصادی

در ادامه رویکردهای موسوم به رویکردهای اقتصادی مد نظر واقع می‌شود.

- استراتژی انقلاب سبز

این استراتژی دارای دو معنای متفاوت است: یکی به معنی دگرگونی کلی در بخش کشاورزی است به طوری که این تحول باعث کاهش کمبود مواد غذایی در کشور و مشکلات کشاورزی گردد. دیگری به معنی بهبود نباتات خاص (به ویژه گسترش انواع بذرهای اصلاح شده گندم و برنج) و تولید زیاد آنان است. براساس مطالعات میسر، انقلاب سبز باعث کاهش مهاجرت‌های روستایی نشده است و بعضاً باعث بروز اخلافتی مابین نواحی روستایی (بخاطر بازده متفاوت زمین‌ها در این محصولات اساسی) نیز شده است (بافو^۱ و همکاران، ۲۰۲۱).

- استراتژی اصلاحات ارضی

اکثر کشورهای جهان، برای گذر از یک ساخت ارضی به ساختی دیگر، اصلاحات ارضی را در برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی خود گنجانده‌اند. به عبارت دیگر، تجدید ساختار تولید و توزیع مجدد منابع اقتصادی را از اهداف عمده برنامه‌های توسعه روستایی خویش قلمداد نموده‌اند. از دیدگاه بسیاری از صاحب‌نظران امر توسعه (همچون میردال و تودارو)، اصلاحات ارضی کلید توسعه کشاورزی است. البته در بعضی موارد نیز به دلیل ساماندهی نامناسب خدمات پشتیبانی و تخصیص اعتبارات موردنیاز، چیزی به درآمد زارعان خرده‌پا افزوده نمی‌شود (هرناندو^۲، ۲۰۱۹).

- استراتژی صنعتی نمودن روستاها

اگرچه در این استراتژی، توسعه کشاورزی در فرآیند توسعه روستایی حایز اهمیت است اما در عین حال باید با توسعه فعالیت‌های صنعتی همراه شود. در بسیاری از کشورها (به‌خصوص آسیای شرقی) صرفاً زراعت نمی‌تواند اشتغال کافی و بهره‌ور ایجاد نماید (ظرفیت زمین نیز محدود است) بدین جهت باید به ایجاد اشتغال سودآور

¹ Baffoe

² Hernando

غیرزراعی نیز پرداخت تا تفاوت درآمد شهرنشینان و روستائیان افزایش نیافته و مهاجرت روستائیان به شهر کاهش یابد. در این راستا باید اقدامات ذیل صورت پذیرد:

الف) ایجاد مشاغل غیرزراعی و فعالیت‌های درآمدزا

ب) رواج مراکز روستایی دست پایین. اهداف عمده این استراتژی را می‌توان این‌گونه برشمرد:

- ایجاد اشتغال غیرکشاورزی برای روستائیان بیکار یا نیمه‌بیکار در یک منطقه

- همیاری در جلوگیری از جریان مهاجرت به مراکز شهری

- تقویت پایه‌های اقتصادی در مراکز روستایی

- استفاده کامل (بیشتر) از مهارت‌های موجود در یک ناحیه

- فرآوری تولیدات کشاورزی محلی

- تهیه نهاده‌های اساسی و کالاهای مصرفی برای کشاورزان و دیگر افراد محلی

بیشتر این‌گونه صنایع روستایی در کسب و کارهای خرد (کوچک‌مقیاس) شکل می‌گیرند که می‌تواند بخش عمده‌ای از آن را صنایع دستی تشکیل دهد. این صنایع دستی می‌توانند از ابزارهای پیشرفته‌تر برای کار خود بهره برده و به دلیل سادگی و مقبولیت بیشتر در جوامع روستایی و امکانات اشتغال‌زایی بیشتر، کمک بیشتری به بهبود وضعیت روستائیان انجام دهند.

- استراتژی رفع نیازهای اساسی

این استراتژی در جستجوی اتخاذ شیوه‌ای است تا براساس آن نیازهای اساسی فقیرترین بخش از جمعیت روستایی را به درآمد و خدمات (در طول یک نسل)، برطرف نماید. نیازهای اساسی شامل درآمد (کار مولد) و هم خدمات موردنیاز زندگی می‌شود. محورهای اصلی این استراتژی عبارتند از: تغییر معیار برنامه‌های اجرایی از رشد به سمت نیازهای اساسی که از طریق اشتغال و توزیع مجدد صورت می‌گیرد (به عبارت دیگر از رشد اقتصادی به توسعه اقتصادی).

- چرخش از اهداف ذهنی به سمت اهداف عینی و واقعی

کاهش بیکاری: از این رو رفع نیازهای اساسی تهیدستان در کانون مرکزی این استراتژی قرار می‌گیرد و اهداف رشد محور جای خود را اهداف مصرفی می‌دهند که در مناطق روستایی با سرمایه و واردات کمتری (نسبت به بخش شهری) قابل انجام هستند.

ج: رویکردهای اجتماعی-فرهنگی:

- استراتژی توسعه اجتماعی

استراتژی توسعه اجتماعی محلی (جامعه‌ای)، اهداف توسعه اقتصادی-اجتماعی را توأمآ شامل می‌شود و نوید می‌دهد که هم پایه‌های نهادهای دموکراتیک را بنا نهد و هم در تامین رفاه مادی روستائیان مشارکت نماید.

- استراتژی مشارکت مردمی

از منظر این دیدگاه، مردم هم وسیله توسعه هستند و هم هدف آن. طرح‌های توسعه روستایی چه به لحاظ ماهیت طرح‌ها و چه به خاطر محدودیت امکانات و منابع دولتی، نیازمند مشارکت مردم در ابعاد وسیع هستند. در این استراتژی باید با تلفیق مناسب رویکردهای بالا به پایین و پایین به بالا، امکان مشارکت گسترده مردم را در فرآیند توسعه روستایی فراهم آورد. محورهای اصلی این استراتژی عبارتند از:

- تاکید بیشتر بر نیازهای مردم
- تشویق و افزایش مشارکت مردم در هر مرحله از فرآیند برنامه‌ریزی
- بسط و ترویج سرمایه‌گذاری‌های کوچک که مردم قادر به اجرای آن باشند
- کاهش هزینه‌های مردم و در مقابل افزایش درآمدهای آنان
- تشویق مردم در جهت تداوم و نگهداری پروژه‌های توسعه (افزایش آگاهی‌های مردم و کاهش زمان و هزینه طرح‌ها و پروژه‌ها)
- مشارکت در حکم وسیله‌ای برای گسترش و توزیع دوباره فرصت‌ها با هدف اتخاذ تصمیم‌های جمعی، همیاری در توسعه و بهره‌مندی همگانی از ثمرات آن است. این مشارکت می‌تواند در تمامی مراحل مختلف تصمیم‌گیری، اجرا (عملیات، مدیریت و اطلاع‌رسانی)، تقسیم منافع و ارزیابی وجود داشته باشد.

د: رویکردهای فضایی، منطقه‌ای و ناحیه‌ای

- استراتژی‌های تحلیل مکانی

والتر کریستالر (۱۹۳۳) بر مبنای نظریات جی.اچ.فون تونن و آلفرد وبر (۱۹۰۹) نظریه «مکان مرکزی» را ارایه نمود که بر اساس میزان جمعیت، نقش و کارکرد، فاصله، پراکندگی سکونتگاه‌های انسانی به شرح و تبیین ساختار (چارچوب) فضایی سکونتگاه‌ها و حوزه نفوذ آنان (بالتبع ساماندهی به نحوه چیدمان نقاط شهری و روستایی) می‌پردازد. متخصصان این زمینه با پذیرش علم جغرافیا (به عنوان تحلیل‌گر فضای زیست)، به استفاده از نظریات برجسته دیگر در رابطه با تقسیم‌بندی فضایی-مکانی و ساماندهی فضا نیز مبادرت نمودند. سه نظریه مطرح در این زمینه را می‌توان به‌طور خلاصه این‌گونه معرفی نمود:

* نظریه زمین‌های کشاورزی (جی.اچ.فون تونن): این نظریه به تحلیل چگونگی استفاده و ساماندهی به زمین‌های کشاورزی می‌پردازد. بر اساس این نظریه فعالیت‌های کشاورزی و ارزش زمین‌ها متناسب با فاصله آن‌ها از بازار (شهری) تعریف می‌شود (دوایر متحدالمرکز حول شهرها).

* نظریه مکان‌یابی صنایع (آلفرد وبر): بر اساس این نظریه، صاحبان صنایع می‌کوشند مکانی را جهت استقرار کارخانه‌های خود برگزینند که با حداقل هزینه تولید محصول و توزیع آنان (هزینه‌های حمل‌ونقل) همراه باشد. در واقع زنجیره‌ای از جریان کالا، خدمات و اطلاعات (وزن و نحوه تعامل آن‌ها) ما را قادر به مکان‌یابی صحیح صنایع می‌کند.

¹ Spatial structure (framework) of settlements

² Concentric circles around cities

³ Transportation costs

* نظریه مکان مرکزی (والتر کریستالر): براساس این نظریه، هر مکانی که موقعیت مرکزی می‌یابد با تولید و توزیع هرچه بیشتر کالا و خدمات در حوزه‌های اطراف (یا منطقه نفوذ) به تحکیم موقعیت مرکزی خود می‌پردازد، به همین خاطر، چنین مکان‌های مرکزی، خدمات بیشتری را در خود متمرکز می‌سازند. بر مبنای این نظریه، نقاط مرکزی در قالب نظامی سلسله‌مراتبی (مبتنی بر جمعیت، فاصله، نقش یا کارکرد) عمل می‌نمایند. طبق این نظریه، خریداران، کالاها و خدمات مورد نیاز خود را از نزدیک‌ترین بازار فروش در دسترس تهیه می‌کنند (گومز، ۲۰۲۰).

– استراتژی توسعه روستا- شهری

از پایان دهه ۱۹۷۰، در واکنش به زوال الگوهای توسعه و پس از استراتژی «نیازهای پایه» سازمان جهانی کار (۱۹۷۶)، استراتژی توسعه روستا-شهری یا منظومه کشت- شهری (اگروپولیتن) مطرح گردید. برای درک بهتر این استراتژی باید الگوی «مرکز-پیرامون» و استراتژی نیازهای پایه را دانست. تحقیقات فریدمن (در آمریکای جنوبی) نشان داده است که می‌توان فضای زندگی را به دو بخش «مرکز» و «پیرامون» تقسیم نمود که رابطه بین این دو نظام، استعماری است و پیامد آن قطبی شدن در مرکز و حاشیه‌ای شدن در پیرامون است. استراتژی نیازهای پایه نیز چرخش آشکاری بود از استراتژی‌های متداول تولیدمحور، صنعت‌مدار و شهرگرا به سمت استراتژی‌های مردم‌محور، کشاورزی‌مدار و روستاگرا. استراتژی روستا-شهری بر مبنای الگوی مرکز-پیرامون (تجمع سرمایه و منافع در نقاط شهری) و متأثر از استراتژی نیازهای پایه (رفع فقر و ایجاد اشتغال، خودتکایی، تامین مایحتاج اصلی)، این محورها را برای توسعه مناطق روستایی پیشنهاد می‌کند: درون‌گرایی، حفاظت‌گرایی، خودگردانی (خودکفایی)، و نهادینه‌سازی مشارکت.

– استراتژی یوفرد

این استراتژی بر پایه نقش فعالیت‌ها و کارکردهای شهری در توسعه روستایی (و منطقه‌ای) تعریف می‌شود که شامل مراحل: تجزیه و تحلیل منابع ناحیه‌ای، تدوین نقشه تحلیلی منطقه، تحلیل نظام سکونتگاهی، تحلیل ارتباطات فضایی، تحلیل دسترسی‌ها (ارتباطات)، تحلیل شکاف عملکردی، تنظیم استراتژی‌های توسعه فضایی، تعیین نارسایی پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه، بازبینی و نهادینه‌سازی تحلیل‌های فضایی در برنامه‌ریزی روستایی و ناحیه‌ای. این استراتژی با ارایه اطلاعات فراوان و ذی‌قیمتی به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان، آنان را در توزیع سرمایه‌گذاری‌ها در راستای یک الگوی متعادل جغرافیایی (اقتصادی و فیزیکی) یاری می‌دهد (دلگادو، ۲۰۱۹).

توسعه روستایی در ایران

امروزه رشد جمعیت جوامع روستایی به دلیل شرایط جدید جهانی و شهری و صنعتی شدن، کفاف ظرفیت‌های جامعه را نمی‌کند و بسیاری از خدمات اجتماعی و امکانات زندگی و رفاهی تنها در شهرهاست که قابل دسترسی است، از این رو روستاها با مهاجرت به خصوص نسل جوان خود به شهرها مواجه هستند. حال برای

¹ Gomes

² Delgado

هر گونه پیش‌بینی و برنامه‌ریزی در جوامع روستایی، شناخت تحولات در سطوح خرد و کلان کشور ضروری است.

در سطح خرد با کنش‌هایی مواجه هستیم، که افراد و نهادهای روستایی را هدایت کرده و تحولات اجتماعی را از آن طریق جهت می‌دهند. تقدیرگرایی روح قالب تفکر و کنش در جامعه روستایی و عشایری ماست. بدین معنی که بسیاری از روستاییان بین اعمال خود و تحقق مطلوب اهداف و مقاصد مورد نظر ارتباطی نمی‌بینند، بلکه آن را حاصل قضا و قدر و دست تقدیر روزگار می‌دانند. در حالی که برنامه‌ریزی و بهبود روش‌ها، نیاز ضروری به تفکری دارد که مبتنی بر ارتباطی عقلایی بین اهداف و مقاصد با اعمال و روش‌ها باشد. کنش‌های احساسی و قمارگونه از دیگر کنش‌های مضر در جامعه ما هستند. از این رو اساسی‌ترین نکته برای تحقق هر برنامه‌ای در جوامع روستایی کشور ما، توجه به این نحوه‌های نگرش و رفتار و کوشش در جهت تغییر آن‌ها است. تکیه بر توسعه مشارکتی و آموزش‌های مستمر و ترویج از جمله راهکارهای پیشنهادی برای عقب‌نشینی کنش تقدیرگرایی از کارها و امور روزمره به حوادث و اتفاقات غیرمترقبه هستند (فردپور، ۲۰۲۰).

در سطح کلان اجتماعی نیز توسعه جوامع روستایی از روندی برخوردار است که متأثر از تحولات کلان کشور است. فرآیندهای شهرنشینی، توسعه جوامع صنعتی، بهبود خدمات اجتماعی، حاشیه‌نشینی و برنامه‌های کلان توسعه کشور، جملگی بر روند تحولات جوامع روستایی تأثیر می‌گذارند. شهرها برای تأمین نیازهای شغلی و نیروی کار خود نیاز به مهاجرین روستایی دارند، بنابراین فرآیند مهاجرت از روستا به شهرهای بزرگ طبیعی است، تنها دولت می‌بایست در ازای عرضه نیروی کار از جوامع روستایی به جوامع شهری و حاشیه‌نشین، حداقل نیازهای اساسی و تأمین اجتماعی جوامع روستایی و حاشیه‌نشین را تأمین کند، باید اشتغال‌زایی و فرصت‌های شغلی را در این مناطق پدید آورد تا بیکاری موجب مهاجرت بی‌رویه از روستا به شهر و پناه بردن‌شان به کارهای غیراخلاقی نشود. بنابراین، موضوع حمایت از صنایع کوچک روستایی و صنایع دستی و صنایع تبدیلی و تکمیلی در کنار توزیع مناسب و عادلانه خدمات اجتماعی و رفاه اجتماعی و ایجاد فرصت‌های شغلی می‌بایست در اولویت برنامه‌های توسعه کشور قرار گیرند (بزی و همکاران، ۱۳۸۹).

اما پرسش اساسی این است که در این میان، توسعه پایدار چگونه مقدور و دست‌یافتنی می‌گردد و با توجه به تحولات و توسعه خرد و کلان در کشور و در جوامع روستایی، آیا توسعه درونزا می‌بایست در دستور کار برنامه‌های دولت قرار گیرد یا توسعه برونزا؟ در این اثر کوشش شده تا با روش اسنادی به سوی تجزیه و تحلیل ساختار اجتماعی جوامع روستایی رفته و رویکردها و راهکارهای موجود را بررسی کرده و تبیینی از فرآیند توسعه در جوامع روستایی داشته باشیم تا در نهایت با ارایه دلایلی به پیشنهاداتی دست یابیم که توجه‌ای جامع به توسعه‌ای پایدار و بلندمدت و همزمان با محرک‌هایی درونزا و برونزا را مدنظر قرار داده، به طوری که مشارکت‌های محلی را با افق‌های علمی فراروستایی تلفیق کرده باشد، به‌عنوان راه‌حل کلیدی توسعه کشور و توسعه جوامع روستایی توصیه نماییم.

¹ Fardpour, Mehdi, 2020

با روشن شدن کاستی‌های توسعه و برنامه‌ریزی روستایی کلاسیک از دهه ۱۹۷۰ به بعد در کشورهای درحال توسعه، رویکردهای گوناگونی در حوزه برنامه‌ریزی کالبدی مطرح شدند. تازه‌ترین رویکردهای توسعه و برنامه‌ریزی روستایی از مبانی اندیشه‌ای توسعه پایدار سرچشمه می‌گیرند و در همه آن‌ها به نوعی اصول نهادگرایی در چارچوب ظرفیت‌سازی و توانمندسازی جوامع روستایی دیده می‌شود. در ادامه، مهمترین رویکردها به برنامه‌ریزی توسعه سکونتگاه‌های روستایی به اختصار مرور می‌شود.

۱- رویکرد توسعه و بهبود زیرساخت‌های روستایی: زیرساخت‌های روستایی را می‌توان سرمایه‌های عمومی و اجتماعی روستاها دانست که بدین جهت توسعه این زیرساخت‌های اجتماعی، فیزیکی، و نهادی باعث بهبود شرایط و کیفیت زندگی و معیشت مردم محلی و ارتقای کارآیی زندگی اجتماعی و اقتصادی آنان خواهد شد. به عنوان مثال، توسعه زیرساخت‌های اجتماعی همچون تسهیلات و خدمات بهداشتی و آموزشی، باعث بهبود کیفیت منابع انسانی و افزایش توانایی‌های آنان (در جایگاه‌های فردی و اجتماعی) خواهد شد. منظور از ایجاد، توسعه و نگهداری زیرساخت‌های روستایی، صرفاً تزریق نهاده‌های سرمایه‌ای به یک جامعه با تولید سنتی نیست، بلکه هدف ایجاد سازوکارها، نهادها و مدیریت جدیدی است که در عمل نیازمند مشارکت وسیع روستاییان است. در واقع این راهبرد، با همکاری مردم می‌تواند به‌طور آگاهانه، ارادی و موفقیت‌آمیز از دوران طراحی، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری گذر کرده و به شرایط مطلوب پایدار وارد گردد (میرزا امینی، ۱۳۸۳).

۲- رویکرد همکاری‌های بین سازمانی: این دیدگاه بر روی همکاری بیشتر سازمان‌ها و نهادهای درگیر در توسعه روستایی تأکید می‌کند و مشارکت مردم و نهادهای غیردولتی در فرآیند برنامه‌ریزی و هماهنگی را به عنوان یک اصل در نظر می‌گیرد.

۳- رویکرد بهبود بهداشت محیط: این دیدگاه تأکید بر توسعه بهداشت و کیفیت زندگی در مناطق روستایی دارد. برنامه‌های بهداشت غذایی، آب سالم، مقابله با بیماری‌ها و مانند آن از جمله برنامه‌هایی هستند که در این چارچوب بیشتر مورد تأکید بوده و دنبال می‌شوند.

۴- رویکرد توسعه نو: رویکرد توسعه نو به معنی تغییر دیدگاه برنامه‌ریزی توسعه روستایی و تأکید بر سیاست‌های خاص توسعه روستایی به همراه تمایل به استفاده از شیوه‌های از پایین به بالا در برنامه‌ریزی است (رکن الدین افتخاری و آقایی، ۱۳۸۶).

۵- رویکرد توسعه پایدار کالبدی: در دهه ۱۹۹۰ موضوع توسعه انسانی و حفظ تعادل زیست‌محیطی در محافل و متون توسعه‌ای بیش از گذشته طرح شد؛ توسعه‌ای که ضامن حفظ توازن زیست‌محیطی از جمله در محیط روستایی و تأکید بر ارزش‌های فرهنگی و انسانی باشد. بدین ترتیب، توسعه پایدار روستایی به‌عنوان آخرین دستاورد تحقیقات در زمینه توسعه روستایی مطرح گردید.

در سال‌های اخیر رویکردهای توسعه روستایی به معنای اعم خود در قالب توسعه پایدار با دیدگاه سرزمینی نگریده می‌شود. در دیدگاه سرزمینی که در مناطق روستایی اغلب تحت عنوان سیاست‌های توسعه‌ای یکپارچه

¹. *Renewed Development*

روستایی شناخته می‌شود به تمامی بخش‌های اقتصادی و اجتماعی براساس بهره‌برداری از توان‌های محلی توجه می‌شود. همچنین مشارکت میان سازمان‌های خصوصی و نهادهای دولتی در تمامی عرصه‌ها به چشم می‌خورد. به عبارت دیگر تلاش برای یکپارچه‌سازی سیاست‌های بخش توسعه در درون برنامه‌های توسعه، از طریق پوشش همگانی تمامی بخش‌ها مورد توجه دیدگاه سرزمینی است. هم اینک این سیاست توسعه، با «رویکرد چندبخشی» همراه و در راستای تحقق اهداف توسعه‌ی پایدار روستایی امری ضروری تلقی می‌گردد (رکن الدین افتخاری و آقایاری، ۱۳۸۶).

۶- رویکرد نهادگرایی^۱ در توسعه کالبدی روستاها: نهادگرایی در مفهوم کلی به معنی اعتقاد و تأکید بر ایجاد نهادها (سازمان‌بندی) در امور جامعه است و در این دیدگاه توسعه به معنای ایجاد تغییر در نهادهای جامعه است. این پارادایم پس از مطرح شدن در اواخر قرن نوزده میلادی توسط افرادی مانند ویلن، کامونز و میچل تحولات زیادی پیدا کرد و گسترش نظریه‌های نهادگرایی به حدی بود که نهادهایی مانند بانک جهانی نیز در سال‌های اخیر توجه خاصی به آن‌ها نشان داده‌اند. رویکرد نهادگرایی به‌عنوان یک نظریه و روش، موضوع مطالعه‌ی خود را نهادهای سیاسی قرار می‌دهد و بر این باور است که این نوع مطالعه نقش اساسی در هویت رشته‌ی علوم سیاسی دارد. حامیان این رهیافت، قواعد و رویه‌های قانونی را متغیر اساسی مستقل، و کارکرد و ذات دموکراسی را متغیر وابسته در نظر می‌گیرند. به نظر رودس^۲ رهیافت‌های نهادگرایی عبارتند از مطالعات قانون اساسی، سیاست‌گذاری عمومی و نهادگرایی جدید. رهیافت اول نقطه‌ی شروع مطالعه‌ی دولت را بررسی قانون اساسی در نظر می‌گیرد. این رهیافت سعی دارد به جای تأکید بر نهادهای رسمی و قانونی، به تحلیل نهادهای در حال کنش بپردازد. سیاست‌گذاری عمومی خط‌مشی سیاسی را حاصل تعامل سازمان‌های حکومتی و دیگر سازمان‌های حرفه‌ای و اقتصادی می‌داند، رهیافتی توصیفی و رسمی در برابر تاریخ، کارکرد، ساختار و روابط نهادها اتخاذ می‌کند. دیدگاه نهادگرایی جدید که در قالب حکمروایی، توسط ویلیامسون^۳ در سال ۲۰۰۹ ارائه شده است بر نقش بیشتر و مستقلانه‌تر نهادهای سیاسی تأکید می‌ورزد و بدین لحاظ، از روش تاریخی-توصیفی و قانونی، دور و به نظریه‌ی سیاسی، تاریخ و حقوق نزدیک‌تر می‌شود (طهماسبی و همکاران، ۱۳۸۹). از ویژگی‌های اساسی نهادگرایی جدید تعاملی بودن آن است که در آن شبکه‌های روابط نقش بنیادی دارند. در این نهادسازی و شبکه‌سازی عواملی چون انگیزه‌های شخصی، گروهی، شرایط اقتضایی (حاصل از سوانح طبیعی مانند سیل، زمین‌لرزه و غیرطبیعی مانند جنگ و فناوری) در هدف‌های دستیابی به اهداف متعالی‌تر و ارزشمندتر توسعه روستایی که همان رفاه و خوشبختی است می‌تواند اثرگذار باشد (رکن الدین افتخاری و آقایاری، ۱۳۸۶).

نقش زیرساخت‌ها در توسعه روستایی

¹ Institutionalism approach

² Rudes

³ Williamson

کشاورزی، باغداری، دامداری، قالیبافی، کارآفرینی و صنایع دستی عمده‌ترین فعالیت روستائیان برای کسب درآمد و ایجاد اشتغال است. توسعه روستایی مستلزم داشتن نیروی انسانی آموزش دیده و ماهر استفاده از محصولات تولیدی در روستاها، توسعه صنایع دستی، گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، برگزاری بیشتر نمایشگاه‌های عرضه توانمندی‌های مردم روستا و غیره به ایجاد انگیزه برای مردان و زنان روستا منجر می‌شود (لازانتا و همکاران، ۲۰۱۷).

بسیاری از برنامه‌ریزان اقتصادی و اجتماعی توسعه روستایی را منشاء بهبود زندگی روستائیان و تلاشی برای کاهش فقر و محرومیت از طریق افزایش تولید و بالا بردن میزان بهره‌وری در محیط‌های روستایی می‌دانند. با رفع مشکل اشتغال در روستاها بحث مهاجرت روستائیان به شهرها کاهش پیدا می‌کند. اما این توسعه‌ی روستایی بدون توسعه‌ی زیرساخت روستایی که باعث ماندگاری نیروی انسانی ساکن در روستاها می‌شوند، امکان‌پذیر نمی‌باشد (کاتیوهو^۲ و همکاران، ۲۰۱۷).

نقش تامین آب در استراتژی‌های توسعه روستایی و ماندگاری نیروی انسانی

توسعه خدمات آبرسانی روستایی برای آب شرب و مصارف بهداشتی، باعث ترغیب روستائیان را برای ادامه‌ی فعالیت‌های روستایی و افزایش تولیدات کشاورزی می‌شود.

- تعدد، پراکندگی و ویژگی‌های پروژه‌های آبرسانی روستایی
- عدم تامین منابع مالی موردنیاز متناسب با نیازهای توسعه‌ای و سرمایه‌گذاری لازم طی سالیان گذشته به نحوی که منابع مالی تامین شده برای این بخش، با احتساب تمامی ظرفیت‌های اعتباری فراهم شده، به زحمت تکافوی حفظ وضعیت فعلی تاسیسات آبرسانی روستایی را داشته است.

- مشکلات حقوقی و ساختاری شرکت‌های آب و فاضلاب روستایی کشور پس از قرارگیری در فهرست شرکت‌های مشمول واگذاری.

- عدم تکافوی تعرفه آب‌بهای مصرفی که حتی جبران کننده هزینه‌های بهره‌برداری از تاسیسات تامین آب نیز نمی‌باشد

- وقوع خشکسالی‌های ادامه‌دار و ایجاد مشکلات اساسی در افت کمی و کیفی منابع آب زیرزمینی کشور با توجه به آن که تامین آب روستاها عمدتاً از این منابع صورت می‌پذیرد. روند آبرسانی سیار به روستاها طی سالیان اخیر روندی رو به رشد و تصاعدی داشته و با بروز مشکلات در منابع آبی مورد استفاده برای روستاها تعداد بیشتری روستا نیازمند تامین آب از طریق تانکر می‌باشند (دومینگوئز^۳ و همکاران، ۲۰۱۹).

وضعیت فعلی روستاهای کشور

براساس آخرین سرشماری، ۲۸/۴ درصد جمعیت کشور یعنی حدود ۲۱/۴ میلیون نفر در بیش از ۷۰ هزار روستای کشور ساکن می‌باشند. از مجموع روستاهای کشور، ۳۷/۶ هزار روستا بالای ۲۰ خانوار جمعیت داشته

¹ Lasanta

² Kativhu

³ Domínguez

که وزارت نیرو تامین آب آن‌ها را بر عهده دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). به‌طور کلی سطح‌بندی روستاها از نظر تامین آب شرب و بهداشتی به شرح زیر می‌باشد:

تعاریف و سطح‌بندی روستاها

به دلیل عمر طولانی پروژه‌های آبرسانی، اغلب شبکه‌ها و تاسیسات آبرسانی روستاها فرسوده شده و نیاز به اصلاح و بازسازی دارند. به این منظور در برنامه چهارم توسعه برای ارائه تعریف مشخصی از وضعیت موجود آب شرب روستاها، پس از بررسی‌های اولیه و برگزاری جلسات متعدد کارشناسی و هماهنگی‌های انجام شده با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، روستاهای بالای ۲۰ خانوار به شرح گروه‌های زیر دسته‌بندی و معرفی شدند:

* روستاهای سطح یک: روستاهایی که تاسیسات آب شرب آن‌ها حداکثر به میزان ۳۰ درصد مستهلک شده باشد و به لحاظ کمی و کیفی همانند آب شهر مجاور خود می‌باشند.

* روستاهای سطح دو: روستاهایی است که تاسیسات آب شرب آن‌ها بین ۳۰ تا ۸۰ درصد مستهلک است و به دلیل فرسودگی تاسیسات، میزان هدررفت آب، بالا بوده و تامین آب شرب روستاها را با مشکل جدی مواجه می‌سازد.

* روستاهای راکد: روستاهایی که میزان استهلاک تاسیسات آن‌ها بیش از ۸۰ درصد است و تاسیسات آن‌ها در عمل قابل استفاده نبوده و از مدار خارج شده‌اند.

* روستاهای فاقد: روستاهایی که اصولاً هیچ‌گونه تاسیساتی در آن‌ها ایجاد نشده است.

نتایج تخمین مدل رگرسیون

در مدل رگرسیونی، با توجه به توضیحات ارائه شده، شاخص‌های مشخصی به عنوان عوامل توسعه روستایی با در نظر گرفتن ارتباط شهر و روستا در استان خوزستان بر حسب نیاز مردم ارائه شده که دسترسی به آب آشامیدنی بهداشتی، تامین مالی فرایندهای کشاورزی مدرن، پیش خرید محصولات و بیمه و آینده نگری از جمله این عوامل بوده است.

برای بررسی ارتباط بین گویه‌ها به روش معادلات رگرسیونی، معادله ذیل تخمین زده می‌شود.

$$A = \alpha + \beta_1 * A_1 + \beta_2 * A_2 + \beta_3 * A_3 + \beta_4 * A_4 + \beta_5 * A_5 + \varepsilon$$

که متغیرهای این معادله به شرح زیر می‌باشند:

جدول ۱- متغیرهای پژوهش

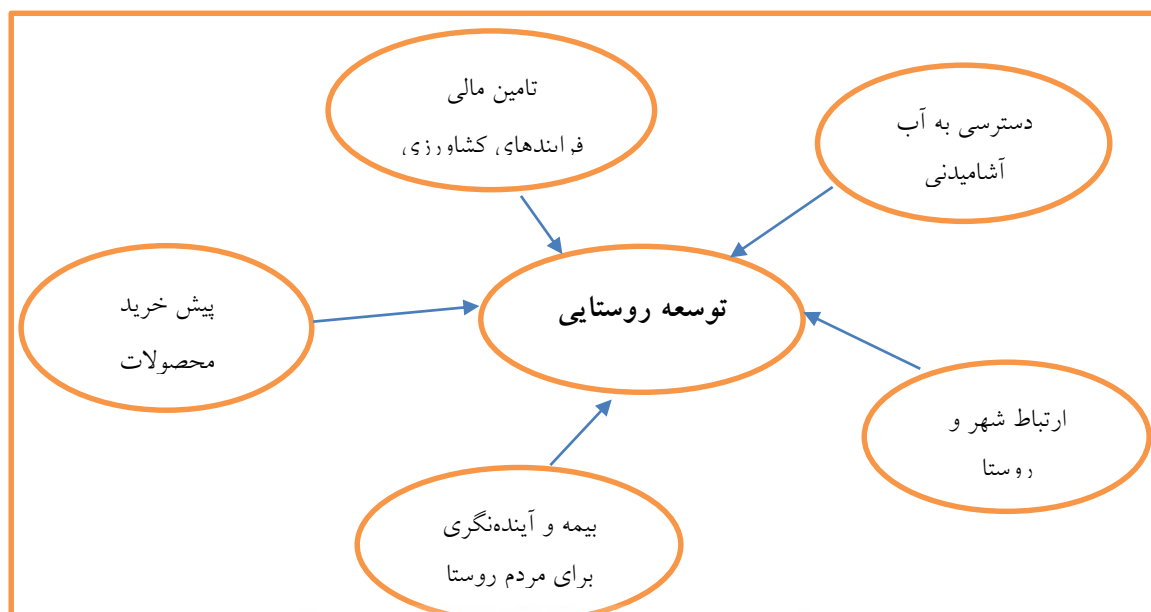
متغیر	نماد	نوع متغیر
توسعه روستایی	A	وابسته
ارتباط شهر و روستا	A1	مستقل
دسترسی به آب آشامیدنی	A2	مستقل
تامین مالی فرایندهای کشاورزی مدرن	A3	مستقل
پیش خرید محصولات	A4	مستقل
بیمه و آینده‌نگری برای مردم روستا	A5	مستقل

در جدول ۲ نتیجه‌ی تخمین مدل خلاصه شده است.

جدول ۲- نتایج برازش مدل رگرسیونی

متغیر پاسخ = توسعه روستایی			
متغیرهای مستقل	ضرایب رگرسیونی	آماره آزمون t	سطح معناداری
ثابت معادله (α)	۰/۱۴	۲/۵۲	۰/۰۱
ارتباط شهر و روستا	۰/۱۶	۱۶/۲۲	۰/۰۰۰
دسترسی به آب آشامیدنی	۰/۲۳	۲۱/۲۵	۰/۰۲
تامین مالی فرایندهای کشاورزی مدرن	۰/۱۸	۱۶/۲۴	۰/۰۰۰
پیش خرید محصولات	۰/۱۶	۱۵/۷۲	۰/۰۰۰
بیمه و آینده‌نگری برای مردم روستا	۰/۲۲	۲۲/۵۴	۰/۰۰۰
آماره آزمون $F = 1085/9 = F$ سطح معناداری = ۰/۰۰۰ آماره دوربین واتسون: ۱/۷۲ ضریب تعیین = ۰/۹۴			

برای بررسی اثر معنی دار متغیرها بر متغیر وابسته از آزمون تی استفاده می‌شود. در صورت معنی دار بودن مقوله مربوط به آن متغیر مورد تایید است. براساس نتایج جدول ۲ می‌توان گفت که دسترسی به آب آشامیدنی، تامین مالی فرایندهای کشاورزی مدرن، پیش خرید محصولات و در نهایت بیمه و آینده نگری دولت برای مردم روستا از جمله مهمترین عوامل ماندگاری جمعیت و افزایش انگیزه برای کار در مشاغل روستایی و در نهایت توسعه روستایی می‌باشد. این موارد در نمودار زیر ارائه شده است:



نمودار شماره ۱- مدل نهایی توسعه روستایی در استان خوزستان

نتیجه‌گیری

با توجه به دیدگاه‌های مطرح شده ایجاد و توسعه‌ی نهادهای جدید در نواحی روستایی و نیز تقویت نهادهای موجود متناسب برای تغییر و تحول شرایط در روستاها و در مجموع، توسعه نهادی- مدیریتی مناطق روستایی در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی نقش اساسی در توسعه نواحی روستایی خواهد داشت. در منطقه‌ی خوزستان، برای توسعه‌ی روستایی الزاماتی همچون دسترسی به آب آشامیدنی، فراهم کردن شرایط سرمایه‌گذاری و ارائه‌ی طرح‌های موثر در جهت حمایت از دامداری و کشاورزی در مقابله با خشکسالی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. روستاها به ویژه روستاهای استان خوزستان، مراکز تولیدی کشور به شمار می‌روند و مهاجرت از روستا به شهر به معنی تعطیلی مراکز تولید است و این اتفاق در واقع یک ناکارآمدی است همچنین باید مراکز تولید در روستاها فعال شوند و دستگاه‌های اجرایی و بانک‌ها که اثرگذاری مهمی در این راستا دارند باید نقش خود را به خوبی ایفا کنند.

منابع

- بزی، خ. کیانی، ا. حنیفی اصل، ی. راضی، ا. (۱۳۸۹). تحلیل تفاوت‌های مکانی سرمایه اجتماعی در مناطق شهری و روستایی مرزی کشور (مقایسه تطبیقی مراکز شهری و روستایی شهرستان ارومیه). مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۱(۲)، ۷۴-۱۰۲.
- جهان‌الدینی، عباس. سلیمانی، حسین. غفاری، رامین. (۱۴۰۱). تبیین الگوی مدیریت راهبردی در توسعه پایدار روستایی (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان سیریک. جغرافیا و مطالعات محیطی، ۱۱(۴۱): ۶۸-۵۵.

- خدامرادپور، محمد. زنگنه، مریم. (۱۳۹۸). بررسی مؤلفه‌های توسعه پایدار روستایی: چالش‌ها و راهکارها. جغرافیا و روابط انسانی، ۲ (۲): ۱۹۹-۱۸۶.
- دارابی، سعداله. ترابی، فاطمه. (۱۳۹۶). بررسی و مقایسه روند سال‌خوردگی جمعیت در کشورهای آسیایی و اروپایی طی سال‌های ۱۹۵۰ تا ۲۰۱۵. مجله سالمندی ایران، ۱ (۱۲): ۳۰-۴۳.
- رکن‌الدین افتخاری، ع. و آقایاری هیر، م. (۱۳۸۶). سطح بندی پایداری توسعه روستایی، مطالعه موردی بخش هیر. پژوهش‌های جغرافیایی، ۳۹ (۶۱)، ۳۱-۴۴.
- زبردست، علیرضا، درسخوان، رسول. (۱۴۰۰). تبیین مولفه‌های دستیابی به توسعه پایدار محیطی در ساختار مدیریت شهری کلانشهر تبریز. پایداری، توسعه و محیط زیست، ۲ (۳): ۲۱-۴۰.
- سجاسی قیداری، حمدالله. محمودی، حمیده. هوایی، حوره. (۱۳۹۷). تحلیل فضایی رضایتمندی روستاییان از کیفیت خدمات آبرسانی شرکت آب و فاضلاب روستایی مطالعه موردی: دهستان فضل شهرستان نیشابور. تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی (علوم جغرافیایی)، ۱۸ (۴۹)، ۱۹۹-۲۲۰.
- طهماسبی، مریم. رضائی مقدم، کورش. (۱۳۸۹). ناپایداری اکوتوریسم روستایی در استان خوزستان. انسان و محیط زیست، ۵ (۴): ۱۵-۳.
- قاسمی، سید هاشم. (۱۴۰۰). ضرورت شناسایی چالش‌های بافت فرسوده روستایی در راستای رسیدن به اهداف توسعه پایدار. مجله جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۴، شماره ۳، صص ۳۴۸-۳۳۱.
- میرزا امینی، محمدرضا. (۱۳۸۳). راهکارهای توسعه کارآفرینی و اشتغالزایی روستایی به سازمان همیاری اشتغال فارغ التحصیلان.
- Baffoe, G., Zhou, X., Moinuddin, M., Somanje, A. N., Kuriyama, A., Mohan, G., ... & Takeuchi, K. (2021). *Urban-rural linkages: effective solutions for achieving sustainable development in Ghana from an SDG interlinkage perspective. Sustainability Science, 16*(۴), ۱۳۴۱-۱۳۶۲.
- Christiaensen, L., & Todo, Y. (2014). *Poverty reduction during the rural-urban transformation-the role of the missing middle. World Development, 63*, 43-58.
- Domínguez, I., Oviedo-Ocaña, E. R., Hurtado, K., Barón, A., & Hall, R. P. (2019). *Assessing sustainability in rural water supply systems in developing countries using a novel tool based on multi-criteria analysis. Sustainability, 11*(19), 5363.
- Fardpour, M. (2020). *Rural Development and Rural Entrepreneurship, Fifth National Conference on the Role of Management in Vision 1404, Rasht, <https://civilica.com/doc/1152426>*
- Fastenrath, S., & Braun, B. (2018). *Lost in transition? Directions for an economic geography of urban sustainability transitions. Sustainability, 10*(7), 2434.
- Gomes, E. (2020). *Sustainable population growth in low-density areas in a new technological era: Prospective thinking on how to support planning policies using complex spatial models. Land, 9*(7), 221.
- Hernando, F. M. (2019). *El espacio rural de España: evolución, delimitación y clasificación. Cuadernos Geográficos, 58*(3), 19-56.
- Hussein, K., & Suttie, D. (2016). *IFAD RESEARCH SERIES 5-Rural-urban linkages and food systems in sub-Saharan Africa: the rural dimension. IFAD Research series.*

- Kativhu, T., Mazvimavi, D., Tevera, D., & Nhapi, I. (2017). Factors influencing sustainability of communally-managed water facilities in rural areas of Zimbabwe. *Physics and Chemistry of the Earth, Parts A/B/C*, 100, 247-257.
- Lasanta, T., Arnáez, J., Pascual, N., Ruiz-Flaño, P., Errea, M. P., & Lana-Renault, N. (2017). Space-time process and drivers of land abandonment in Europe. *Catena*, 149, ۸۱۰-۸۲۳.
- Li, T., Feng, C., Xi, H., & Guo, Y. (2022). Peer Effects in Housing Size in Rural China. *Land*, 11(2), 172.
- Lin, J., Lei, J., Yang, Z., & Li, J. (2019). Differentiation of rural development driven by natural environment and urbanization: A case study of kashgar region, Northwest China. *Sustainability*, 11(23), 6859.
- Liu, C. C., Lee, C. T., Guo, Y. F., Chiu, K. N., & Wang, T. Y. (2022). The Study of Sustainable Rural Development in Taiwan—A Perspective of Causality Relationship. *Agriculture*, 12(2), 252.
- Masot, A. N., & Gascón, J. L. G. (2021). Sustainable Rural Development: Strategies, Good Practices and Opportunities. *Land*, 10(4), 366.
- Sitarz, D. (1993). *Agenda 21: The earth summit strategy to save our planet.*
- Sowels, N. (2019). Changes in Official Poverty and Inequality Rates in the Anglophone World in the Age of Neoliberalism. *Angles. New Perspectives on the Anglophone World*, (8).
- Tasaki, T., & KAMEYANA, Y. (2015). Sustainability indicators: are we measuring what we ought to measure. *Global Environmental Research*, 19, 147-154.
- Varga, D., Vila Subirós, J., Barriocanal, C., & Pujantell, J. (2018). Landscape transformation under global environmental change in Mediterranean mountains: Agrarian lands as a guarantee for maintaining their multifunctionality. *Forests*, 9(1), 27.
- Viñas, C. D. (2019). Depopulation processes in European rural areas: a case study of Cantabria (Spain). *European Countryside*, 11(3), 341-369.
- West, S., Haider, L. J., Stålhammar, S., & Woroniecki, S. (2020). A relational turn for sustainability science? Relational thinking, leverage points and transformations. *Ecosystems and People*, 16(1), 304-325.